

کنج دنج

نگاهی به راه‌اندازی اتاق نشاط در مدرسه

● طاهره ملک‌زاده، مدیر دبستان تربیت، منطقه ۱۰ تهران

چندی پیش در بازدید از یکی از واحدهای آموزشی تهران، مکانی را دیدم که مدیر مدرسه می‌گفت، «کنج دنج» نام دارد. وقتی از او پرسیدم این مکان چه ویژگی‌ای دارد و چرا چنین اسمی به آن داده‌اید، گفت: «بعضی از بچه‌ها در کلاس درس، به‌ویژه در زنگ اول، حال خوشی ندارند. کسل‌اند، حال و حوصله گوش‌دادن به درس معلم را ندارند و دوست دارند در کنج و غار تنهایی خود باشند. این مکان را درست کردیم که اگر معلمی تشخیص داد، دانش‌آموزش را به آنجا هدایت کند. البته اعلام عمومی نکرده‌ایم و فقط معلم‌ها از وجود و کارکردهای چنین مکانی خبر دارند. در این مکان، چند اسباب‌بازی، کتاب، وسایل استراحت و مقداری خوراکی ساده گذاشته‌ایم تا بچه‌ها از آن‌ها استفاده کنند. معلمی که برای برگشتن حال خوش دانش‌آموز، او را با همکاری و اطلاع معاون مربوطه به کنج دنج فرستاده است، وظیفه دارد خود به کنج دنج برود و برای زنگ بعدی دانش‌آموز را به کلاس بیاورد».

در گیرودار کلنجار رفتن با چنین تجربه‌ای، تجربه و خاطره‌ای دیگر، از دو زاویه، پیش رویم فرار گرفت.

فرزند یکی از همکاران در شهر مونترال کانادا معلم است. از قرار، یکی از دانش‌آموزانش موقع تحویل ورقه خود در پایان یکی از امتحانات داخلی غش می‌کند و به روی این خانم معلم می‌افتد. دانش‌آموز با خودروی فوریت‌های پزشکی به بیمارستان انتقال می‌یابد و خانم معلم به اتاق حال خوب. از او می‌خواهند زنگ بعدی و حتی اگر لازم شد زنگ بعدتر را در این اتاق بماند و سر کلاس نرود و فردی که مسئول خدمات آن اتاق بوده است، مسئولیت‌پذیری و آماده‌سازی روحی و روانی این خانم معلم و بازگشت او به حالت طبیعی را عهده‌دار می‌شود. جالب اینکه این خانم معلم ایرانی می‌گفته هیچ مشکلی ندارد و به‌راحتی می‌تواند سر کلاس برود. از این هم می‌گذریم که روز بعد که شنبه و مدرسه تعطیل بوده، دو نفر از نیروهای مشاوره و خدمات مدرسه، برای برگرداندن او به حال خوب، به منزلشان می‌روند و تا پنج روز بعد مدیر مدرسه، از طریق رایانامه، مرتب در حال پرسیدن حال او بوده است.

راستی این جریان را یکی از فرهنگیان پیشکسوت که از مدرسه‌های تورنتو بازدید کرده است، در بیان تجربه‌های سفر خود تأیید کرد. او می‌گفت، در اغلب مدرسه‌هایی که از آن‌ها بازدید کردم، دو اتاق را با چنین مشخصاتی دیدم. یک اتاق ویژه معلمان و یک اتاق برای دانش‌آموزان، که اگر لازم داشتند، لحظاتی در آن اتاق بیارامند و بعد با آرامش به کلاس وارد شوند یا بازگردند. به گفته این همکار، وقتی همکاری با اضطراب و

التهاب ناشی از بیماری، تغییر و تحول هورمونی، ترافیک، بگو و مگوی خیابان و مترو و وسیله نقلیه، جر و بحث با صاحب‌خانه و ده‌ها مورد دیگر وارد مدرسه می‌شود و مدیر این اضطراب را در او می‌یابد، از وی می‌خواهد لحظاتی در اتاق حال خوش بیارامد و آنگاه وارد کلاس شود. در مورد دانش‌آموزان هم همین‌طور. وقتی از این تجربه‌ها مطلع شدم، بنا را بر این گذاشتم که الگوبرداری کنم و برای شروع کار، نسبت به راه‌اندازی اتاق نشاط در دبستان تربیت، با اهدافی که گفته شد، اقدام کنم. البته من فعلاً در مرحله اول، این کار را برای معلمان مدرسه، به‌ویژه معلمان مرد، که به دلیل تعداد کمشان در مقابل معلمان خانم، برای استراحت و آرامش در تنگنای بیشتری هستند، شروع کرده‌ام و در آینده آن را برای همه معلمان و نیز دانش‌آموزان توسعه خواهم داد.

اتاق نشاط ما فضایی قدیمی و خاطره‌گرد (نوستالژیک) دارد. سماور قدیمی و انواع و اقسام چایی‌ها و دم‌نوش‌ها و سایر نوشیدنی‌های آرامش‌بخش، با میلمانی ساده و راحت، کتاب‌هایی برای توره، لقمه‌ای نان و پنیر و سایر مخلفات برای تغییر ذائقه، از جمله ویژگی‌های اتاق نشاط مدرسه تربیت هستند. ضمن اینکه برای آرامش بیشتر، دسترسی دانش‌آموزان به اتاق نشاط تقریباً صفر است.

وقتی تجربه موفق مدرسه‌ای دیگر در ایران و جهان را می‌شنویم یا مطالعه می‌کنیم، بهتر است به جای حسرت‌خوردن و وا اسفا گفتن، دست‌به‌کار شویم و متناسب با امکانات، شرایط و مقتضیات محلی خود، نسبت به عملی کردن آن تجربه در حد امکانات خود اقدام کنیم. ■